روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹
تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت‌پیام‌رسان سبز تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم تلفن: ۴۴۵۳۳۷۲۵
www.sharghdaily.ir
شنبه ۳ دی ۱۴۰۱ • ۲۹ جمادی‌الاول ۱۴۴۴ • ۲۴ دسامبر ۲۰۲۲ • سال بیستم • شماره ۴۴۵۴ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۲:۰۴ • اذان مغرب ۱۷:۱۶
اذان صبح فردا ۵:۴۲ • طلوع آفتاب ۷:۱۲

# روزنامه شرق

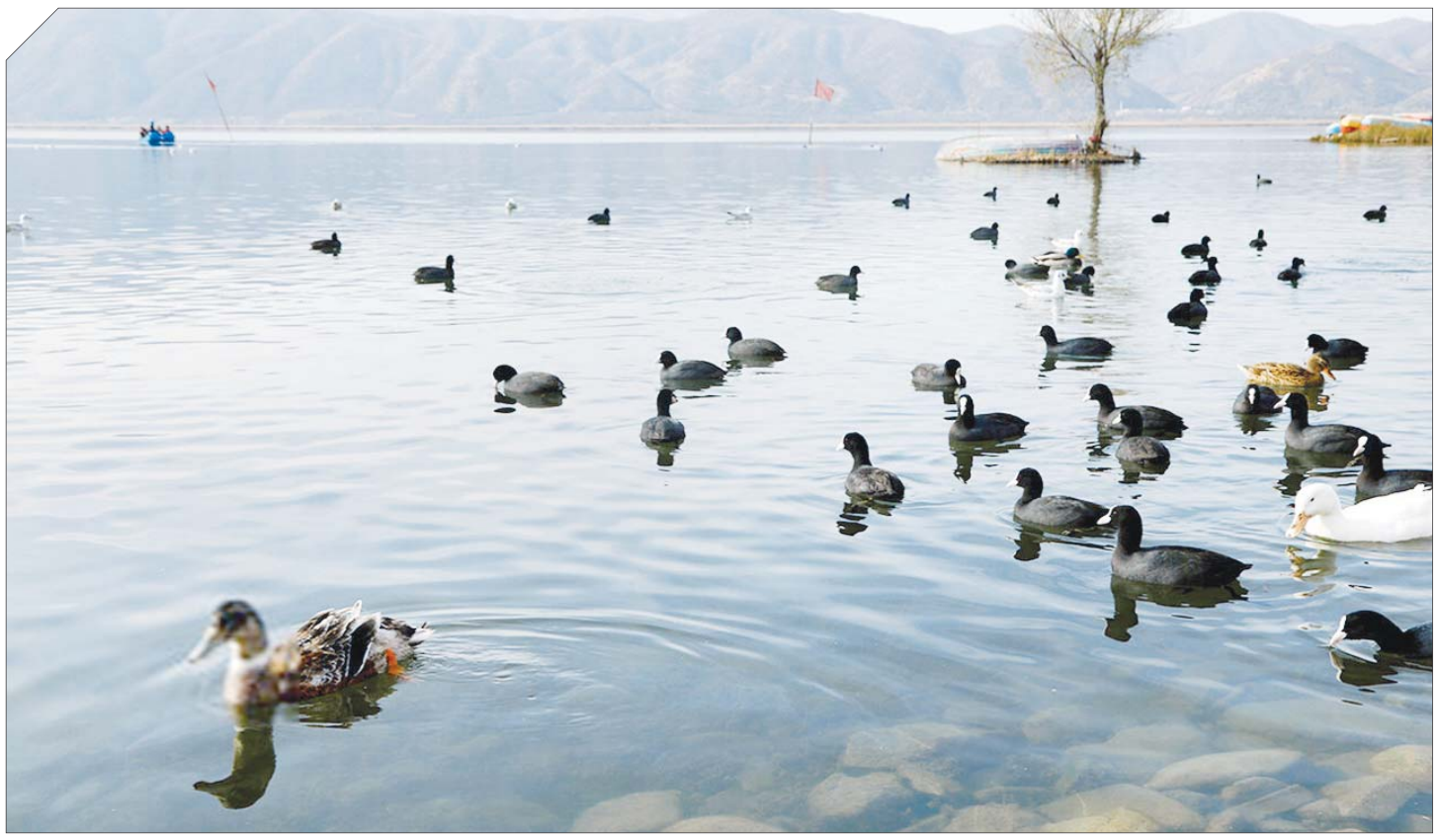

• نیزارهای حاشیه دریاچه زری بار مریوان به پناهگاه پرندگان بومی و مهاجر و مکان بسیار امنی برای پرندگان آبزی و کنار آبزی حاشیه این تالاب تبدیل شده و سالانه هزاران پرنده بومی و مهاجر داخل نیزارها لانه‌سازی و جوجه‌آوری می‌کنند.
عکس: سیدمصلح پیرخضرانیان، ایرنا

**دیالوگ روز**

**هیاهوی بسیار بر سر هیچ - کنت برانا - ۱۹۹۳**

بئاتریس (اما تامسون): همه‌کس به کسی که زیر فشار رنج سنگین دارد استخوانش خرد می‌شود، درس صبر و تحمل می‌دهد؛ اما وقتی خودش صاحب آن درد شد، نمی‌تواند صبر و قرارش را از دست ندهد؛ کسی که درد و اندوه مرا نداشته باشد، نمی‌تواند به من پند بدهد. نصیحتم نکن، درد من از پند تو بلندآوازتر است.

**نشانه‌خوانی**

## چند نکته درباره یک نامه دستوری

پویا نعمت‌اللهی
دکترای علوم ارتباطات

مؤسسات «پرداخت‌یار» به زبان خیلی ساده همان ارائه‌دهندگان درگاه‌های پرداخت اینترنتی هستند که عملیات پردازش و انجام تراکنش‌های اینترنتی را با کیفیت و امنیت مناسب تسهیل می‌کنند.

در خبرها آمده بود که شبکه الکترونیکی پرداخت‌کارت (شاپرک) در نامه‌ای به شرکت‌های پرداخت‌یار ضمن بیان احتمال مسدودشدن دامنه‌های دات‌کام، تا سوم دی ماه به آنها مهلت داده که سایت خود را به دامنه ir منتقل کنند. شاپرک دلیل این را «تهدیدات و مخاطرات بالقوه ناشی از محدودشدن احتمالی دامنه‌های دات‌کام» دانسته است.

این موضوع را می‌توان از وجوه گوناگون نظیر جنبه‌های فناوری اطلاعات یا تجارت بین‌الملل واکاوی کرد. همچنین امکان بررسی آن از منظر ارتباطات نیز وجود دارد. به‌واقع نکته‌های بسیار جالبی در همین پنج خط نامه مذکور وجود دارد.

شاپرک در متن نامه خود از راهبرد توأمان اجبار و توصیه بهره گرفته است. این همان راهبرد چماق و هویج است. در ابتدا عطف توجه به تهدید و خطر می‌کند تا موضوع به حد کافی بزرگ جلوه کند. گویا خطر بزرگی در کمین است. آن‌گاه برای موجه جلوه‌دادن این خطر، یک تاریخ اعلام می‌شود.

کارکرد این تاریخ چیست؟ این تاریخ درواقع کارکردی از دو منظر دارد. ابتدا اینکه از حیث ایجابی مهلت زمانی انجام «اجبارمند» آن دستور بوده و از حیث سلبی نیز می‌تواند ناظر بر تبعات اجرانکردن دستور باشد. اما این تبعات کدام‌اند؟

نامه طوری نگارش شده که انگار آن تهدیدی که شرکت شاپرک آن را شناسایی کرده، به‌زودی قرار است سر برآورده و وارد مرحله اجرا شود؛ بنابراین باید هرچه سریع‌تر در برابر آن چاره‌ای اندیشید. اتفاقا این «چاره» نیز ارائه شده است؛ به این صورت که دامنه آنها از دات‌کام (com) به دات‌آی‌آر (ir) منتقل شود.

نامه خطاب به مدیران عامل شرکت‌های پرداخت‌یار است. این مدیران در اولین مواجهه با این نامه چه موقعیت فرضی دارند؟

در فراز ابتدایی نامه موضوع در قالب الزام تلویحی مطرح شده؛ ولی در فراز آخر نامه به آنها «اکیدا توصیه» شده که اقدام فوق را با سرعت اجرائی کنند. در اینجا توصیه اکید در نقش اجبار و الزام ظاهر شده است.

در اینجا دو تاریخ مشخص حضور دارند. ابتدا از آنها خواسته شده که «در اسرع وقت» اقدام کنند و سپس یک تاریخ «ترجیحی» نیز ذکر شده است.

اگر قرار است امر مشخصی «در اسرع وقت» انجام شود، پس دلیل به‌کارگیری هم‌زمان قید «ترجیحا» چیست؟

به نظر می‌رسد نویسنده نامه به دنبال ایجاد سوژه‌مندی است. می‌دانیم شرکت شاپرک در مقام گفتمان قاهر و یک نهاد حاکمیتی عمل می‌کند؛ به این صورت که سوژه او به‌مثابه ابژه گفتمان قدرت صورت‌بندی شده و در پیوند با شکل‌ها (فرم‌های) تکنولوژی‌های انضباط قرار گرفته است.

منظور از گفتمان قدرت آن است که به تعبیر یکی از فعالان این حوزه، عملا رگولاتوری حتی در انتخاب نام دامنه هم دخالت می‌کند.

همچنین منظور از انضباط در اینجا می‌تواند همان تنبیهی باشد که در متن نامه از آن یاد شده است. گویی گفتمان قدرت می‌خواهد تمام مسئولیت عدول از این الزامِ عاجلِ زمان‌مند را متوجه مؤسسات پرداخت‌یار کند.

شاپرک به‌عنوان نهاد حاکمیتی در عرصه مبادلات اینترنتی فقط بوی خطر را شنیده؛ ولی راه‌حل را در قالب تغییر دامنه به ir دانسته است.

هرکسی که از این دستور اطاعت نکند، در معرض آسیب قرار می‌گیرد؛ اما در نگاه پست‌مدرن اساسا قدرت محدود نمی‌کند، بلکه نظارت می‌کند، برمی‌انگیزاند، خلق کرده و موقعیت‌سازی می‌کند.

به‌همین‌خاطر شاپرک تهدید خود را متوجه اختلال در کسب‌وکار پرداخت‌یاران می‌کند و آنها را از عواقب اطاعت‌نکردن از دستوراتش برمی‌انگیزد.

از این نامه بیشتر می‌توان گفت اما از فحوای آن کاملا مشخص است که پای یک تعجیل در میان است.

### فاجعه‌ای که با ورود طالبان آغاز شده بود

# ممنوعیت تحصیل زنان افغانستان

زهرا مشتاق

**این اولین بار بود که از نزدیک چنین چیزی می‌دیدم. پرده‌ای در کلاس بود و جای نشستن دختران دانشجو را از پسران جدا می‌کرد. صندلی دخترها، به شکل آشکاری کمتر از پسرها در نظر گرفته شده بود. تابستان ۱۴۰۰ بود و من در افغانستان بودم. با دوربین موبایل در حال گفت‌وگوی تصویری با یکی از رؤسای دانشگاه‌های خصوصی در افغانستان بودم.**

طالبان با ژست‌های دروغین و لبخندهای فریب‌آمیز در مقابل دوربین خبرنگاران سعی داشت چهره تازه‌ای از خود نشان دهد. اما عملیات نابودی دوباره کلید خورده بود و افغانستان به سرعت شمارش معکوس ازدست‌دادن اندک داشته‌هایش آغاز شده بود. تصاویر، مردمی را نشان می‌داد که در کوچه و خیابان مشغول زندگی عادی خود بودند. زنان اجباری برای پوشیدن برقع نداشتند و طالبان به نوعی سعی در القای تغییر خود داشت. آنها به تمام دنیا دروغ می‌گفتند. تفکر ایدئولوژیکی هرگز تغییر نمی‌کند؛ چون از بستری با فرامین مشخص و چارچوب‌های غیرقابل تخطی می‌آید. در آن تابستان، من با زنان بسیاری ملاقات داشتم که به طور پنهانی یا آشکار، مواضع خود را در قبال طالبان اعلام می‌کردند. به استادان زن دانشگاه‌ها گفته شده بود فعلا به دانشگاه‌ها نیایید تا خبرتان کنیم. بسیاری از آنها، چه استادان مرد و چه زن، حین مصاحبه گریه می‌کردند. همه آنها در انتظار روزهایی تاریک‌تر بودند و می‌دانستند «خبرتان می‌کنیم» معنایی جز تصمیم طالبان برای حذف و خانه‌نشینی زنان ندارد.

نقشه‌های آنها از خلال حرف‌هایشان بیرون می‌ریخت. آنها خواسته‌های خود را در لعاب‌های مختلف آشکار می‌کردند و گوشه‌ای در سکوت می‌نشستند و بازتاب‌ها را تماشا می‌کردند. اولش با زمزمه تعطیلی صنف (کلاس) ششم به بعد شروع شد. گفتند دخترها فعلا نیایند تا برای محتوای درسی، لباس و شکل‌آمدن دخترها به مکاتب تصمیم‌گیری شود.

دروغ می‌گفتند! آنها از همان ابتدا، حتی قبل از تسخیر فوری، آسان و مشکوک افغانستان، برنامه‌هایشان مشخص و چیده شده بود.

در تفکر آنان، زنان هرگز انسانی برابر با مردان تعریف نمی‌شوند؛ بلکه زنان اشیائی جاندار هستند که فقط زمانی که در مایملک آنها هستند به حساب می‌آیند و دیده می‌شوند. برای همین است که جای زنان فکر می‌کنند، تصمیم می‌گیرند و هر کاری که دلشان بخواهد با مایملک خود می‌کنند. چون تلقی و فهم آنها از زنان، کنیزانی حقیر است که باید در پس برقع‌های خود، بله‌قربان‌گوی مردان باشند.

آنها گوشه‌ای نشستند و بازتاب مردم جهان به رفتارهای خویش را مزه‌مزه کردند و دنیا جز «محکومیت‌های شدیداللحن» هیچ کار دیگری نکرد و آنها طاعون افکار خود را گسترش دادند. وقتی دختران تا بیش از کلاس ششم اجازه تحصیل نداشته باشند، دانشگاه دیگر معنایی ندارد. تاریکی با نیشخند تمام سیاهی‌اش را آشکار می‌کند. زنان اجازه رفتن به دانشگاه ندارند؛ چون در اندیشه طالبان، «زنان تنها کشتزار مردان هستند. وسیله‌ای برای خوشی و تکثیر مردانی چون خود».

آیا طالب‌ها احمق هستند؟ نه. احمق‌ها اندیشه نمی‌کنند.

طالب‌ها سمت افراطی یک ایدئولوژیک هستند. ایدئولوژیک تولید فکر می‌کند، اما در راستای اندیشه و نگاه و خواسته خود.

شاید دنیا از افغانستان خسته شده است. از کشوری که همیشه قیمی برای کمک و سرپاماندن داشته است. از میلیون‌ها دلاری که در سازمان‌های مردم‌نهاد خرج شد و انگار هیچ ثمری نداشت. انگار یک جای دنیا باید معضل غم‌انگیزی به نام طالبان وجود داشته باشد تا سازمان‌ها و سیاست‌مداران ارشد بتوانند بیانیه‌های شدیداللحن خود را برای محکومیت آنها خرج کنند تا نشان دهند تا چه اندازه انسان‌های رئوف و مهربانی هستند.

محکومیت‌هایی که برای زنان نه آب می‌شود، نه نان. نه آنان را به درس ودانشگاه می‌رساند و نه از سرنوشت غمبارشان می‌رهاند. وقتی دانشگاه‌ها به روی زنان بسته باشد، افغانستان دیگر هیچ پزشک زن، معلم، حسابدار، ماما، استاد دانشگاه، متخصص علوم انسانی یا سیاسی یا هیچ چیز دیگر نخواهد داشت. جامعه از زنان کارآمد و درس‌خوانده تهی می‌شود و زنان رفته‌رفته دچار اضمحلال و نابودی می‌شوند و از آنان هیچ نمی‌ماند و این درست چیزی است که طالبان در تلاش رسیدن به آن است؛ زنان مطبخ‌نشین و فرمان‌بردار در سایه که کارخانه بچه‌آوری باشند.

نمی‌شود گفت مگر در خواب ببینند؛ چون از بعد از استقرار خود، تقریبا هیچ مطالبه‌گری جدی و مداومی مقابل طالبان از سوی خود مردم افغانستان انجام نشده است. درست است که زنان کنشگر اجتماعی با شجاعت تمام و بدون هیچ پشتوانه‌ای، پیوسته به اعتراض پرداخته‌اند، اما این به تنهایی کافی نیست. واقعیت این است که حکومت طالبان که در ابتدا تصور می‌شد چند ماه بیشتر دوام نخواهد آورد، ماندنی شده است و هر روز بیشتر در استیلای خود خودنمایی می‌کند. دهن‌کجی‌های آشکار طالبان به تمدن و تفکر بشر، نشانه تلخی از سکوت و خیانت همه جهان نسبت به مردمی است که چه‌بسا خود نیز تلاش ویژه‌ای برای رهایی و پوست‌اندازی درست انجام نداده که در قرآن نیز آمده است که سرنوشت هیچ مردمی تغییر نمی‌کند، مگر آنکه خود تغییر کنند.

**شبکه‌خوانی**

## همه برای نجات زهره

در چند روز گذشته هرچند اعلام شد که قرار است فعلا آب‌گیری سد چم‌شیر به تعویق بیفتد، اما فعالان محیط‌زیستی مانند «حسین آخانی» و «محمد درویش » از مردم درخواست کرده‌اند تا نسبت به آب‌گیری سد چم‌شیر واکنش نشان دهند و به گفته «حسین آخانی» جلوی «کشته‌شدن زهره» را بگیرند. آخانی در متنی نوشته است که «زهره دختری بانمک، با گیسوان مواجی که هر روز با نسیمی از ییلاق‌های فارس تا دشت‌هایی سواحل خلیج فارس شانه می‌خورد. زهره از آخرین رودخانه‌های ایران است که سرنوشتی تلخ به جانش افتاده است؛ سرنوشتی شبیه کرخه، کارون، زاینده‌رود، سیمینه‌رود و صدها رودخانه بزرگ و کوچک کشور. رودخانه‌هایی که توسط گیوتین‌های به نام سد یکی پس از دیگری سر بریده شدند. زهره نیز سرنوشت تلخی دارد. درست در دامن عروس شمشیری به نام سد چم‌شیر آماده کرده‌اند تا زهره را به مسلخ ببرند. اول دی‌ماه ۱۴۰۱، روزی بود که همه چیز برای پایین‌کشیدن دریچه‌های تونل انحرافی و قطع جریان آب زهره آماده شده بود که خوشبختانه با تلاش بی‌وقفه کارشناسان و فعالان محیط زیست، رسانه‌های کل کشور و همراهی علی سلاجقه، رئیس سازمان حفاظت محیط زیست به عقب افتاد. برای من که دو سالی است برای حفظ حیات زهره می‌جنگم، لحظات سختی بود و اینکه با توقف آب‌گیری سد فرصتی پیش آمد که از تکرار حادثه تلخ گتوند جلوگیری شود، خدا را شکر می‌گویم. ما نیک می‌دانیم که هستند گروهی که بدون توجه به یافته‌های علمی ممکن است با یک تصمیم سیاسی مجددا نقشه کشتن زهره را اجرا کنند. بنابراین ما باید با کمک هم جلوی چنین اتفاقی را بگیریم». قرار است در این فراخوان، با عنوان «توقف آب‌گیری سد چم‌شیر گچساران» به گفته این فعال محیط‌زیستی پیام «زهره تنها نیست» را به گوش مسئولان برسانیم. او درخواست کرده است که مردم در کنار زهره بمانیم و دختری را که تمدن‌های چندین هزارساله جنوب غربی کشور به وجود او گره خورده است، از خطر مرگ حتمی نجات دهیم. همچنین محمد درویش نیز در گفت‌وگو با خبرگزاری ایکنا درباره این سد گفته است: «اکنون موضوع سد چم‌شیر موضوع داغی است و بسیاری از کارشناسان نگران این هستند که با آب‌گیری این سد شاهد یک گتوند دیگر باشیم که می‌تواند شرق خوزستان را از حیز انتفاع ساقط کند؛ به خاطر اینکه ۷۰ درصد مخزن سد چم‌شیر در تشکیلات سازند گچساران قرار گرفته است؛ همان سازندی که مقصر شوری آب در منطقه گتوند هم بود و در نهایت هم اعلام شد که مقصر ۲۰ درصد از شوری در جلگه خوزستان سد گتوند است. مقاومت‌های جدی اکنون درگرفته و خوشبختانه رئیس سازمان محیط زیست اعلام کرده که ما جلوی آب‌گیری این سد را تا انجام بررسی‌های مجدد می‌گیریم که امیدوار هستم بتوانند همچنان مقاومت کنند. البته لکنت‌هایی همچنان وجود دارد؛ سازمان حفاظت محیط زیست در حوزه خطر تغییر اقلیمی آن‌چنان که باید روشنگری نکرده و فعال برخورد نمی‌کند و نمی‌گوید که وقتی ما در کاپ ۲۷ شرکت کردیم چه دستاوردهایی داشتیم. رئیس سازمان محیط زیست در سفرهایی که به استان‌ها می‌رود، مستقیم با مردم و نمایندگان نهادهای مدنی صحبت نمی‌کند و از دیدار با رسانه‌ها پرهیز می‌کند و این نقطه ضعف بزرگی است که باعث می‌شود مردم نفهمند سازمان محیط زیست درگیر چیست و به نظر می‌رسد هنوز نگاه‌های امنیتی در سازمان محیط زیست و تصور نامحرم، محرم وجود دارد. بزرگ‌ترین ابتکار سازمان محیط زیست باید مردم باشند و هرقدر با مردم ارتباط بهتری برقرار کند، قدرتش هم بیشتر خواهد شد و امیدوار هستم به این سمت حرکت کند تا بتوانیم شاهد حل بحران‌های جدی در حوزه آبخیز زاینده‌رود، دریاچه ارومیه، بختگان و منطقه جازموریان باشیم».

**علم‌خوانی**

## کشف ۲ سیاره قابل زندگی

**خبرآنلاین:** اخترشناسان موفق به کشف دو سیاره شده‌اند که احتمالا قابل سکونت هستند و در فاصله‌ای کوتاه از ما به دور یک ستاره کوتوله سرخ می‌چرخند. این سیاره‌ها جرمی به اندازه کره زمین دارند و اگر با سرعت نور حرکت کنیم، فقط ۱۶ سال طول می‌کشد تا به آنها برسیم. گروهی از محققان به رهبری مؤسسه IAC در اسپانیا در مقاله‌ای که به‌زودی منتشر می‌شود، به دو سیاره فراخورشیدی شبیه زمین با قابلیت سکونت اشاره کرده‌اند که GJ 1002b و GJ 1002c نام دارند. «الخاندرو سوارز ماسکارنو»، از نویسندگان این مقاله می‌گوید جهان دارد به ما نشان می‌دهد که سیاره‌های شبیه زمین چندان هم نادر نیستند. با این دو سیاره، حالا هفت سیاره شبیه زمین در نزدیکی منظومه شمسی مشاهده شده‌اند.

دو سیاره یادشده در کمربند حیات ستاره خود قرار گرفته‌اند و خود این ستاره هم نه آن‌قدر داغ و نه آن‌قدر سرد است که احتمال وجود آب مایع را از بین ببرد. با توجه به اینکه وجود آب برای حیات اهمیت زیادی دارد، محققان اکثر مطالعات خود را در کمربند حیات ستاره‌ها انجام می‌دهند. البته حضور در کمربند حیات به‌تنهایی ضامن میزبانی از موجودات زنده نیست. از آنجایی که ستاره GJ 1002 یک کوتوله سرخ نسبتا سرد است، کمربند حیات آن در فاصله کمتری نسبت به این ستاره قرار می‌گیرد. سیاره GJ 1002 درواقع آن‌قدر نزدیک این ستاره است که یک گردش کامل آن به دور ستاره فقط ۱۰ روز طول می‌کشد. از آن‌سو، برای گردش GJ 1002c به دور این ستاره حدود ۲۱ روز زمان لازم است. جرم GJ 1002 تقریبا یک‌هشتم جرم خورشید ماست.

محققان این دو سیاره را با استفاده از تلسکوپ بسیار بزرگ شیلی و رصدخانه «کالار آلتو» در جنوب اسپانیا مشاهده کردند. آنها اکنون امیدوارند در تحقیقات بعدی بتوانند دریابند که چه اتفاقاتی در اتمسفر آنها در حال وقوع است.

**اتفاق‌خوانی**

## ادامه بازداشت ترانه علیدوستی

در این چند روز که از بازداشت «ترانه علیدوستی» بازیگر شناخته‌شده ایران و جهان می‌گذرد، واکنش‌ها به این نحوه برخورد با او ادامه دارد.

**اکانتی که برای ترانه نیست**

همچنین چند روز پیش او را متنسب به یک اکانت توییتری کرده بودند؛ اما در پنجشنبه‌شب، اکانت توییتری بی‌نامی که در روزهای اخیر از سوی برخی حساب‌های کاربری به ترانه علیدوستی نسبت داده شده بود، در توییتر حضور پیدا کرد و در فضای اسپیس حاضر شد. حضور اکانت نسبت داده‌شده به ترانه علیدوستی در توییتر، نقطه پایانی بر شایعات درباره انتساب این حساب کاربری به «ترانه علیدوستی» است. در چند روز گذشته موج گسترده‌ای برای مطرح‌کردن این سناریو برای بازیگر سینمای ایران رخ داده بود که هنوز در بند ۲۰۹ زندان اوین بازداشت است.

در این مدت حمید علیدوستی، رخشان بنی‌اعتماد، پیمان معادی، شهاب حسینی، بهمن فرمان‌آرا، سحر دولتشاهی، غزل شاکری، میترا حجار، سعید روستایی، مجتبی میرطهماسب، محسن امیریوسفی، غزل شاکری، منیژه حکمت، مونا احمدی، حامد کمیلی، رعنا آزادی‌ور، ندا جبرائیلی، امیرحسین شجاعی، هومن بهمنش، مینا اکبری، سحر مصیبی، ثمین مهاجرانی، طلا معتضدی، الهام کردا، رضا کیانیان، ریحانه طراوتی، افروز خان‌بلوکی، ابراهیم ابراهیمان، پریسا گرگین، علی مصفا، لیلی رشیدی، پانته‌آ بهرام، ستاره اسکندری، بهناز جعفری، گلاره عباسی، بابک کریمی، رضا درمیشیان، رضا اخلاقی‌راد، سپیده ابطحی، مینا اکبری و مهسا ابراهیم‌زادگان به همراه «نادره حکیم‌الهی» (مادر ترانه) به مقابل زندان اوین رفته‌اند.

**واکنش هنرمندان جهان**

یورونیوز گزارش داده است که نزدیک به ۵۰۰ چهره سینمای جهان خواستار آزادی فوری ترانه علیدوستی شده‌اند. در بین این افراد، چهره‌های سینمای جهان ازجمله کیت وینسلت، هنرپیشه برنده جایزه اسکار، کن لوچ، کارگردان بریتانیایی و پدرو آلمادووار، کارگردان اسپانیایی و ماریون کوتیار، ستاره سینمای فرانسه، جرمی آیرونز، بازیگر بریتانیایی و کریستن استوارت، هنرپیشه، دیده می‌شود که خواستار آزادی او هستند.

بی‌بی‌سی هم گزارش داده است که انجمن هنرمندان تلویزیون و رادیو آمریکا نیز دراین‌باره بیانیه‌ای منتشر کرده است. این اتحادیه در بیانیه‌اش به دستگیری این هنرمند واکنش نشان داده است.

ترانه علیدوستی ۲۶ آذر بازداشت شده است و در این چند روز جشنواره‌های لوکارنو، کن، برلیناله و... نسبت به این اتفاق واکنش نشان داده‌اند. همچنین هنرمندان برای پیگیری وضعیت او در مقابل دادسرای اوین جمع شده‌اند. از مهم‌ترین نگرانی‌های خانواده علیدوستی، دسترسی او به داروهایی است که در «تنها» تماس تلفنی کوتاه پس از بازداشت، خواهان تحویل آنها به زندان اوین شده بود.

**علیدوستی منتقد است**

رسول صدرعاملی سخنگوی خانه سینما در گزارشی درباره شرایط کنونی هنرمندان گفته است: «بازداشت خانم علیدوستی غیرعادلانه است». او گفت: «خانه سینما خواستار توقف قطعی اعدام‌ها و آزادی بی‌قیدوشرط بازداشت‌شدگان است. آنها اغتشاشگر نیستند و منتقدانی هستند که حاکمیت باید به آنها گوش بدهد. بررسی پرونده‌ها به‌صورت عادلانه و به دور از وضعیت احساسی و غیرمعمول این روزها باید انجام شود. ما همچنان از بازداشت اعضای خود نگرانیم و آن را به مصلحت حاکمیت نمی‌دانیم. بازداشت‌های گاه و بی‌گاه و غیرمعمول برخی از همکاران و به‌خصوص خانم ترانه علیدوستی غیرعادلانه است. هنرمندان بر اساس نقش و مسئولیت اجتماعی خود وظیفه دارند که در مورد مسائل روز حرف بزنند و بهتر است این نظرات منتقدانه به جای برخورد قضائی شنیده و در مورد آن فکر شود. بسیاری از مسائل و مشکلات امروز در جامعه را هنرمندان بسیار زودتر احساس کرده و در مورد آن اعلام نظر کرده بودند».